

جابه جاي طبيعت

ملينا نامور (کاربر انجمن چری بوک)

|||||||

ژانر: فانتزی

سطح: برگزیده

طراح جلد: آرام دوست حسینی

ویراستار: کیان. اف

ناظر: آرام دوست حسینی

صفحه آرا: کیان. اف

تعداد صفحات: ۸

تهیه شده در انجمن رمان نویسی چری بوک

|||||||



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



خلاصه:

در سرزمینی دور افتاده اتفاقی عجیب رخ می دهد، جای انسان ها با جانوران و گیاهان عوض می شود و طی یک اتفاق ترسناک، جانوران تصمیم می گیرند برای تامین غذای خود انسان ها را شکار کنند.

مقدمه:

کی می‌دونه؟ شاید واقعاً یہ روزی توی دنیای واقعی جاہامون باہم عوض بشہ!

درخت کاج و آقای گاو روی صندلی‌های مشکی چرم نشسته بودن و به ماکت شهر خیره شده بودن. آقای گاو همزمان که کروات آبیش رو درست می‌کنه لب می‌زنه:

-به نظر من بهتره این قسمت رو کاملاً خراب کنیم و یه آپارتمان مجلل بسازیم. درخت کاج لب‌هاش رو جمع می‌کنه و با لبخند مرموزی می‌گه:

-عالیه آقای گاو، ما می‌تونیم خیلی زود خونه انسان‌ها و بچه‌هاشون رو خراب کنیم تا برای خودمون یه آپارتمان مجلل و بزرگ، بسازیم. دقیقاً همون کاری که اون‌ها با ما کردن!

آقای گاو، خرسند از این اتفاق سرش رو تکون میدن و می‌گه:
-خیلی خوبه خانم کاج! دستور دادم چندتا از انسان‌ها رو بیارن برای قربونی و خوردن.

خانم کاج با لحن دستوری می‌گه:
-جلسه اتمام یافت!

یک زن با موهای بور و لباس مشکی و همچنین یک مرد با لباس صورتی و موهای بلوند، که بیشتر شبیه یک خانم بود؛ برای شکار شدن آماده بودن و همزمان چندتا خانم و آقا هم برای شکوندن دندون و استخون‌هاشون حضور داشتن.

آقای گاو با صدای بلند رو به جمعیت صحبت می‌کنه.
-همون‌طور که خودتون خوب می‌دونید ما از دندون‌ها و استخوان‌هاشون برای تزئین استفاده می‌کنیم و خودشون رو خشک می‌کنیم. از پوستشون پالتو و لباس درست می‌کنیم و گوشتشون رو می‌خوریم!
این تمام کارهایی که وقتی ما قدرت نداشتیم اون‌ها با ما انجام می‌دادن.
خانم‌ها جیغ می‌زنن و با گریه سعی در بیرون رفتن از بغل درخت‌ها دارن. یکی از اون‌ها با جیغ فریاد می‌زنه.
-لطفاً، ولمون کنید! تو رو خدا ما گناهی نداریم.
خانم کاج با خونسردی می‌گه:

-مطمئنی؟ یعنی وقتی که از پوست روباه پالتو و از شاخ گوزن و گاو، تزئینی جات درست می‌کردید و از گوشت گاو می‌خوردید هیچ گناهی نداشتید؟ یا اون

موقعی که با هزارتا آشغال، محل زندگی ما گیاه‌ها رو نابود می‌کردید چی؟
احساس عذاب وجدان ندارید؟
عصبانی‌تر ادامه میدید.

-شاخ کرگدن‌ها رو می‌خواید چیکار؟ دندون فیل‌ها چی؟ چرا به گربه‌ها و سگ‌ها
آسیب می‌زدید؟ چرا به خر و الاغ شلاق می‌زدید؟ جالبه با این همه آسیب
می‌تونید بی‌گناه باشید؟!

آدم‌ها اشک می‌ریزن و از ترس به خودشون می‌لرزن.
یک صف طولانی از انسان‌ها تشکیل شده و قراره از گوشت بعضی‌هاشون
استفاده بشه و پوست و استخوان و...
تمام حیوانات و گیاهان خوشحالن. انسان‌ها بی‌قرارن و بعضی از گیاهان با
وسایل حمل و نقل شروع می‌کنن به تخریب زندگی انسان‌ها.

وارد خونه میشه و به خانم گاو سلام میدید. بچه گاوه‌های کوچولوش با عجله
می‌پرن بغلش و خودشون رو برای پدرشون لوس می‌کنن. لباس‌های کارش رو که
عوض می‌کنه به سمت اتاق هال میره و روی مبل زرد رنگ می‌شیند. دیگه برای
درست کردن مبل از چوب استفاده نمی‌کردن؛ بلکه سعی می‌کردن از منابع
طبیعی و پلاستیک‌های مقاوم استفاده کنن.
تونسته بودن با گیاهان کسب و کار قوی رو شروع کنن. سر یه زن با موهای
مشکی و لب‌های قرمز روی دیواره و از پوستش هم برای خونشون فرش تهیه
کردن. چند سالی میشه از انسان فقط برای این جور چیزها استفاده می‌کنن.
برای تزئین، یه تیکه از استخوان یه مرد میان‌سال روی میزه و تونسته با این
تزئینات برای خودش و خانم گاو و بچه‌هاش قشنگ‌ترین خونه رو درست کنه.
مطمئناً اگه انسان‌ها می‌دونستن که با حیوانات و گیاهان چیکار می‌کنن هیچ‌وقت
اون کارها رو انجام نمی‌دادن تا به این جا نرسن! کی می‌دونه شاید واقعاً یه روزی
توی دنیای واقعی جاهامون باهم عوض بشه!

" برای دانلود آثار بیشتر به cherrybook.ir مراجعه کنید "

 che.rrybook

 cherrybook.Novel

 Cherrynovelbook



Chemylbook.ir